

جمعه 10 می 2019

مرجان کمال

جنگ میراثی

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت سیزدهم

رفتی کنون تو از برم شد دین ایمان رهبرم

تو دین و ایمان منی ای دختر ناز پرورم



ارزش ها، رسم و آیین (ethos) به حیث سلوک و روش (habitus) و ریفرنس یا مراجعه به آن:

رسوم و آیین که جای مرکزی در تعریف نمودن ریفرنس ها دارد، تنظیم کننده پروسس یک عکس العمل در مقابل عمل (تأثیرات متقابل) بین بازیگران اجتماعی می باشد. در حقیقت تشکیلات ارتباطات بین مرد ها و زن ها را مشخص می سازد، که از نظر اجتماعی مؤقف خواهر بودن و خانم بودن شان شناخته شده، و مظهر عزت و ناموس مردان می باشند.

اصطلاحات ناموس (nâmus) و ننگ (nang) تقریباً عین معنی را دارد، اولی مشخصاً به غرور یک مرد توسط الگو و نمونه بودن خانم هایش از تمام نقاط نظر، مخصوصاً اخلاقیات ارتباط می گیرد و دومی نمونه و الگوی ایست که همراهی آن اداره می گردد و رابطه قوت و قدرت جهت حفظ نمودن ارزش ها و همبستگی گروهی بشمار می رود.

شرم و بد نامی تمام اشخاصی را که در وظایف حفظ و نگهداری از ارزش ها، مخصوصاً جهت نگهداری و حفاظت از خانم هایشان ضعف نشان دهند، در بر می گیرد. وسعت بد نامی و بی غیرتی تمام خانواده (عین نسب) را در بر گرفته و متأثر می سازد. به این ترتیب شرم و بد نامی یک نقطه اتصال یک فرد با گروه می باشد. بر علاوه هر نوع ضعف فردی موازنه مجموعه گروه را که توسط بد نامی صدمه دیده اند، تهدید به خارج گردیدن از گروه می گرداند، و احیا دوباره حیثیت با تصویب یک حکم اجباری و پرداخت جریمه امکان پذیر می باشد.

مفهوم حیثیت و آبرو، شیوه و طرز تقسیم غنا و منابع تولیداتی را بین اعضای یک گروه تنظیم می نماید، مگر این که هر نوع ثروت اندوزی افراطی یا بیش از اندازه و یا کوتایی از مکلفیت تقسیمات دوباره توسط متمولین و ثروتمندان خطر تخریب نمودن موازنه بین اعضای مختلف یک نسب، دلالت بر غایب بودن از متمایز بودن وی می نماید. همچنین حیثیت و آبرو یک نقطه اتکاء بی اساسی در بسیج نمودن سیاسی در یک وضعیت توهین آمیز و بحرانی مشخص گردیده، و به صفت یک ریفرانس (cadre - maitre) برای صادر نمودن یا اظهار داشتن شکایات و اتهامات به کار برده می شود.

سلوک و روش سیاسی نماینده های مناطق که در ارتفاعات (کوه ها) قرار دارند و مناطق کم ارتفاع مانند جا های هموار و دره ها، که این دو منطقه را یک به مقابل دیگر قرار می دهد، بیانگر یا ارائه کننده به این تقابل در محیط پشتون ها اصطلاح ننگ و قلنگ می باشد. در محیط ترک ها - فارسی زبان ها نیز این تقابل موجود بوده، و به این تقابل بیلاق و قشلاق (yalâq et qeshlâq) گفته می شود. و این تعیین کننده دو بخشی بودن محیط زیست بین چراگاه های مرتفع از یک طرف و زمین های هموار از طرف دیگر می باشد. این دو بخش بودن در حوزه ساختار های سیاسی نیز نمایان می باشد.

مناطق ارتفاعات پائین که دولت می تواند بالای آن کنترل سیاسی واقعی داشته و مالیه را جمع آوری نماید برخلاف مناطق ارتفاعات بلند که از دولت خود را مستقل دانسته و هر از نوع ساختار های خارجی سیاسی و تشکیلات اجتماعی خود را دور نگهداری می نمایند. به این ترتیب دو جناح متقابل و مخالف ننگ و قلنگ و یا بیلاق و قشلاق بیانگر فرهنگ به یک ریفرانس، که تنظیم کننده ارتباطات دولت - جامعه می باشد، و اعتبار و تبریئه خود را در ارتباطات بین یک محیط زیست و بهره برداری از غنای طبیعی توجیه می دارند.

ارتباط مفهوم کلمه ناموس با اصطلاح ننگ معنی غیرت و غرور را می دهد که این ریفرنس در فرهنگ سیاسی جمعیت دهات و قصبات مانند یک وسیله، اجازه به مشخص نمودن مشروعیت یک شف یا رهبر و یا به شکل یک اعتراض سیاسی انعکاس می کند.

پروسس یا میکانیزم ایجاد برقراری سلسله مراتب و قشر بندی اجتماعی: شجره نامه یا نسب نامه افاده پیوند اجتماعی:

ادمک (Adamec) در مورد محیط پشتون اشاره می کند: « زندگی نمودن یک گروه یا کلان در عین محل خیل (khel) و از یک گروه محدود از عین نسب کور (kor) نامیده می شود». « هر قسمت رهبر یا ملک خاص خود را دارند و قبیله های بسیار قدرتمند پیشنهاد کننده و تأمین کننده شف یا رهبر قبیله می باشند».

در اکثر اوقات رهبران را، شف های عسکری که به سخاوت و دلاوری مشهور می باشند، تشکیل می دهند.

شف ها توسط دایر نمودن جرگه ها (شورای مشورتی) دور هم جمع می شوند و در مورد امور روزمره زندگی اجتماعی (حل و فصل دعوی، و گرفتن تفاهیم سیاسی) فیصله می نمایند.

هر یک از این کنفدرسیون ها یا اتحادیه ها، گروه های زیاد قبیله را جمع می نمایند و اکثراً توسط نام اجداد شان (eponyme) با اضافه نمودن پسوند زی (zai) یاد می گردند. (پسر یا فرزند فلانی). به این ترتیب اعضای یک گروه یکی از دیگر نظر به تعلقات اجداد یا نسب شان شناسایی و تمام شان یکی به دیگری توسط عین جد ارتباط دارند. پس تشکیلات قبیلوی جامعه نمایانگر افاده ارتباط اجتماعی بین افراد از طریق استعمال ساحه ماحول خانوادگی می باشد.

فلذا اهمیت نسب در بین تمام جمعیت و گروه های قومی و حتی اکثر اوقات در نزد گروه های غیر پشتون که جد خود را نمی شناسند و یا نمی توانند وابستگی های خود را به صورت مشخص معین کنند. (تشریح و توضیح وابستگی به یک قوم که توسط یک پسوند نشان دهنده نسب پدری می باشد).

در داخل تمام گروه های قومی شیوه عمل کرد اجتماعی از لا به لای منشور ارتباطات خانوادگی افاده می گردد. و در نتیجه زد و بند ها تولید سمبولیک مؤسسات رسمی و غیر رسمی که متضمن تنظیم نمودن جامعه و انتقال ارزش ها در دراز مدت می باشند. و به این ترتیب، تقسیمات به کتگوری ها سرحد روابط بین گروه ها را مشخص می سازد.

ادامه دارد.